

نمایش «کتابخورها» به کارگردانی اسماعیل رحیمی سروش پس از دوره‌های اجرایی موفق که تاکنون داشته این بار در کانون پرورش فکری روی صحنه می‌رود. به همین بهانه خبرنگار صبا گفت‌وگویی با عوامل این نمایش داشته که در ادامه می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت و گو

اسماعیل رحیمی سروش کارگردان و بازیگر: دیدن یک تئاتر مسیر زندگی ام را تغییر داد

ایده متن چگونه شکل گرفته و به اجرا رسید؟

سال ۸۸ موضوع پداگوژی و تئاتر کودک را برای پایان‌نامه‌ام انتخاب کرده بودم و برایم بسیار مهم بود که یک متن خوب با شاخص‌هایی که در نظر داشتم پیدا کنم. متن‌های زیادی را مطالعه کردم و نتوانستم متن مد نظرم را پیدا کنم بنابراین تلاش کردم خودم متنی بنویسم. همان زمان ایده اولیه «کتابخورها» به ذهنم رسید اما چون زمان محدودی داشتم نتوانستم روی آن کار و تکمیلش کنم و به سالهای بعد موکول شد.

مسیر فعالیت شما در زمینه تئاتر کودک چگونه شروع شده است؟

وقتی که ۹ سالم بود برای اولین بار یک کار کودک در کانون پرورش فکری لاهیجان دیدم که نامش «گره سیاه» بود، خیلی خوشم آمد و شیفته تئاتر شدم و همانجا تصمیم گرفتم که بازیگر شوم بعد از آن در کلاس بازیگری ثبت نام کردم و زندگی‌ام تغییر کرد. اولین نمایشی که در آن حضور داشتم کار کودکی به نام «خاله سوسکه» بود و از سال ۷۸ این مسئله تا به امروز استمرار داشته و با اینکه کار بزرگسال نیز انجام داده‌ام خود را کودک کار می‌دانم و همیشه کار کودک برایم در اولویت، دغدغه و جدی‌تر از کار بزرگسال بوده است.

در مورد کارگردانی «کتابخورها» و اینکه به مولفه‌هایی مثل میزانشن، دکور، لباس و گریم به صورت حرفه‌ای نگاه شده است بپردازیم.

کارگردانی من در امتداد نویسنده‌گی‌ام بود و از آنجایی که دیدن یک تئاتر مسیر زندگی مرا تغییر داد اینک نمایش‌ام روی کودکان چه تاثیری بگذارد برایم اهمیت زیادی پیدا کرد. تئاتر کودک برای من بسیار جدی است و از روزی که تصمیم گرفتم این متن را بنویسم به جزئیاتش بسیار توجه کردم و تلاش کردم که کاملاً اصولی آن را بنویسم و به نوعی با تک‌تک کاراکترهای این اثر زندگی کردم و چندین سال طول کشید تا این متن را به آن چیزی که دوست داشتم نزدیک کنم. از طرفی قصه نیز برای من بسیار مهم بود و دوست نداشتم صرفاً یک فضای شادی ایجاد کنم تا مخاطب کودک تنها لحظات شادی را تجربه کند، دقایقی به او خوش بگذرد و راضی از سالن بیرون برود.

برایم خیلی مهم بود که کاراکترهایم شخصیت باشند و خیلی به سراغ تیپ نفرتم و سعی کردم تک‌تک شخصیت‌هایی که در کارم دارم پرداخت شده باشند. چند کاراکتر دیگر هم در این نمایش داشتم ولی حس کردم به این کاراکترها آنقدر که باید پرداخته نشده بنابراین آنها را حذف کردم و ویژگی‌های آنها را به کاراکترهای دیگر اضافه کردم که به این کاراکترها ابعاد مختلفی بدهم و کاراکترها پخته‌تر شوند و پرداخت قوی‌تری داشته باشند. در راستای جدی‌تم در تئاتر کودک با همه بازیگرانی که وارد گروه شدند همان روز اول اتمام حجت کردم و برایم خیلی اهمیت دارد که نگاه یک بازیگر به مقوله تئاتر کودک چقدر جدی و حرفه‌ای باشد و با بازیگری که نگاه ساده انگارانه به مقوله تئاتر کودک داشته باشد نمی‌توانم همکاری کنم چون انرژی و همدلی که باید در یک گروه اجرایی تئاتر کودک وجود داشته باشد برای من بسیار مهم است. شاید یک بازیگر حرفه‌ای در نمایش بزرگسال بتواند با انرژی کمتری بازی مد نظرش را ارائه دهد اما در کار کودک بسیار مهم است که شما تمام انرژی‌تان را صرف کنید و تمام وجودتان را پای کار بگذارید چون مخاطب کودک به شدت تحت تاثیر نقش‌ها قرار می‌گیرد و این بار مسئولیت گروه را بیشتر می‌کند. برای همین اثرگذاری روی مخاطب برای من بسیار مهم است و هیچ وقت تلاش نکردم اثرگذاری و جذابیت‌هایی که می‌توان در یک کار ایجاد کرد را فدای مسائل دیگری مثل مطرح کردن مسائل تربیتی و مفاهیم آموزشی کنم و مهم‌ترین مسئله برایم این بوده که کودک با کارم آن ارتباط عمیقی که باید را برقرار کند و حال اگر آن ارتباط شکل گرفت از دل آن، مفاهیمی که می‌خواهم را به مخاطب منتقل کنم.

چرا زمان زیادی برد تا کار به اجرای عموم برسد؟

ما سال ۹۳ «کتابخورها» را به جشنواره بردیم و تقریباً ۷ سال طول کشید تا کار را به اجرای عموم برسانیم چرا که واقعا دنبال این بودیم کاری کاملاً استاندارد با رعایت اصولی که مد نظر خودمان بود را به اجرا برسانیم. وقتی هم که سال ۱۴۰۱ «کتابخورها» را در تالار هنر



گفت‌وگویی صبا با عوامل نمایش کودک «کتابخورها»

وقتی که تخیل کودکان بال پر

تدارک دیده بودند استفاده کنند و نبود حمایت به معنایی که باید، کار را واقعا برای گروه‌های کودک دشوار کرده است.

اما مسئله آخر نبود افراد متخصص در زمینه روابط عمومی آثار کودک است و متأسفانه افراد متخصص زیادی در این زمینه نداریم و نظارت‌ها نیز در این زمینه بسیار ضعیف است. بسیاری از گروه‌ها با یک سری از روابط عمومی‌ها وارد قرارداد و همکاری می‌شوند، تعهدات لازم انجام نمی‌شود و گروه‌ها به مشکل بر می‌خورند و این مسئله مهمی است که باید جدی گرفته شود چرا که رابطه مستقیمی با تبلیغات در نهایت فروش کار دارد.

سارا بابائی:

به تئاتر فانتزی علاقه دارم

بازیگری کودک برای شما چگونه آغاز شد؟

من بازیگری را از سال ۸۳ و از دانشگاه آزاد اراک آغاز کردم. یعنی پایه کاری من دانشجویی است هر چند که لیسانسم در زمینه روزنامه‌نگاری بوده است. در دوران دانشگاه همانند پارودی، کمدی، تراژدی، نمایش ایرانی و نمایش‌های جدی، نمایش کودک را نیز تجربه کردیم. اما به طور جدی نمایش کودک برای من از زمانی که با متن «کتابخورها» مواجه شدم یعنی حدود سال ۹۳ آغاز شد، وقتی که متن در بیست و یکمین دوره جشنواره تئاتر کودک و نوجوان همدان متن برگزیده جشنواره شد و تصمیم گرفتیم که آن را کار کنیم ضمن اینکه من کتابدار بخش کودک نیز هستم و آنجا نیز با بچه‌ها در زمینه قصه‌گویی و نمایش خلاق کار می‌کنم و مقوله کودک برای من مجموعه‌ای است که موارد ریز و درشت زیادی را در خود جای داده است. برای من جنبه فانتزی کار خیلی برجسته است و حیطه مورد علاقه‌ام تئاتر فانتزی است که مسلماً در آثار کودک جای مانور بیشتری دارد. در واقع روی کار کودک تعصبی ندارم و هر بخشی در تئاتر که این تم فانتزی در آن پررنگ باشد برای من جذاب است و دوست دارم

روی صحنه بردیم سراغ بهترین‌ها رفتیم و با بهترین طراح گریم، دکور، لباس و حتی با خواننده حرفه‌ای برای ترانه‌های نمایش همکاری کردم و واقعا سعی کردم کار به شکلی باشد که بتوانم آن چه مد نظرم بود را ارائه دهم. در طول اجراها سعی کردیم که این مسئله ایده پردازی را داشته باشیم و اینگونه نبود که وقتی نمایش به اجرا رسید بگوییم کار بسته شده و دیگر تغییری اعمال نکنیم و بخوایم هر شب همان را تکرار کنیم بلکه ما هر شب بعد از اجرا یا در فضای مجازی با مخاطبان در مورد نمایش صحبت و ایده پردازی می‌کنیم و یک سری چیزها به کار اضافه می‌کنیم و تا روز آخر اجرا نیز همچنان در حال اضافه کردن یک سری موقعیت‌ها، صحنه‌ها و ایده‌های جدید به کار خواهیم بود تا کار پویایی‌اش را حفظ کند. روزی که «کتابخورها» را آغاز می‌کردم با خود قرار گذاشتم این کار را تا زمانی روی صحنه ببرم که ایده‌نو، جدید و قابل توجهی برای اضافه کردن به آن داشته باشم یا در سالن بهتری اجرا بروم و اصلاً دوست نداشتم که مدام کارم را از صحنه سالی به صحنه دیگر ببرم به خاطر همین این دوره اجرای «کتابخورها» آخرین دوره اجراهای ما خواهد بود و با پایان یافتن این کار در کانون، پروژه بعدیمان را آغاز خواهیم کرد.

سخن پایانی

حمایت از گروه‌های تئاتری مخصوصاً در حوزه کودک خیلی کارشناسانه نیست و با کارها هر چقدر هم که میزان هزینه کردشان متفاوت باشد به شکل یکسانی برخورد می‌شود و این مسئله ناخواسته باعث می‌شود گروه‌ها به این سمت بروند که آثاری با هزینه‌های پایین تولید کنند. حقیقتاً با اینکه مخاطب ما از ارزشی که قائل شده‌ایم و دکور متفاوت و جذابی که ساخته‌ایم بسیار راضی است ولی هزینه‌های نگهداری از این دکور و جابجایی آن و یا پیدا کردن سالن مناسب برای آن دست ما را بسیار بسته و گروه‌ها را به شدت محدود می‌کند. بسیاری از گروه‌ها به همین علت مجبور می‌شوند دکورهای کوچکی بزنند یا حتی به فکر تولید تئاتر جدید نباشند و صرفاً آثار قبلی خود را باز تولید کنند و از همان دکور، عروسک‌ها و یا لباس‌هایی که برای آثار قبلیشان